

و در آن ایام حکمی از او عَسْطَس قیصر صادر گشت که تمام ربع مسکون را اسم نویسی کنند. و این اسم نویسی اول شد، هنگامی که کیرینوس والی سوریه بود. پس همه مردم هر یک به شهر خود برای اسم نویسی می رفتند. و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت، رفت. زیرا که او از خاندان و آل داود بود. تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد. و وقتی که ایشان در آنجا بودند، هنگام وضع حمل او رسیده، پسر نخستین خود را زایید. و او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود. و در آن نواحی، شبانان در صحرا بسر می بردند و در شب پاسبانی گله های خویش می کردند. ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد و کبرایی خداوند بر گرد ایشان تابید و بغایت ترسان گشتند. فرشته ایشان را گفت: «مترسید، زیرا اینک بشارت خوشی عظیم به شما می دهم که برای جمیع قوم خواهد بود. که امروز برای شما در شهر داود، نجات دهنده ای که مسیح خداوند باشد متولد شد. و علامت برای شما این است که طفلی در قنداقه پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.» در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح کنان می گفتند: «خدا را در اعلی علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد.» و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان با یکدیگر گفتند: «الآن به بیت لحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را به ما اعلام نموده است ببینیم.» پس به شتاب رفته، مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند. چون این را دیدند، آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود، شهرت دادند. و هر که می شنید از آنچه شبانان بدیشان گفتند، تعجب می نمود. اما مریم در دل خود متفکر شده، این همه سخنان را نگاه می داشت. و شبانان خدا را تمجید و حمد کنان برگشتند، به سبب همه آن اموری که دیده و شنیده بودند چنانکه به ایشان گفته شده بود.

لوقا ۲: ۱-۲

جشن انتظار هفتگه چهارم: محبت

Advent, fourth week: Love

بر خداوند در آسمان و بر زمین جلال باد! این دیگر چگونه جلالی بود که فرشتگان دربارش می‌سرودند؟ کسی که همه حقوق خود را کنار گذاشت و به خاطر ما پائین‌ترین جایگاه را برای خود انتخاب کرد. کسی که مادرش در زمان بارداری هنوز ازدواج نکرده بود و فرزندی نامشروع به حساب می‌آمد. در آن برهه از تاریخ انگ فرزندی نامشروع بودن با مسیح می‌ماند و روابط اجتماعی او را دچار مشکل می‌کرد. کسی که فقیر بود! آنها جای مناسبی را برای به دنیا آمدن او نداشتند. کسی که پنهانده شد! آنان مدت زمانی اندک پس از تولد عیسی به دلیل اینکه هیرودیس کودکان آن منطقه را می‌کشت پنهانده شدند. این مجلل‌ترین راه برای ورود به دنیا نبود! در زندگی او افراد بسیاری بودند که نام او را می‌خواندند، او را پرستش می‌کردند و به دنبالش می‌رفتند ولی مخالفان او بسیار بیشتر بودند. مرگش زجرآور بود و حتی ذره‌ای رحمت هم به او نشان داده نشد. سربازان او را مسخره کردند، او را تا جایی که بدنش پاره پاره شد کتک زدند، عضلاتش از زیر پوستش نمایان گردید و به دلیل دادن خون‌ریزی زیاد، بیهوش شد. سپس او را عریان در مکانی عمومی به صلیب می‌خکوب کردند. چرا خالق دنیا باید چنین جایگاه پستی را در دنیا انتخاب می‌کرد؟ او نیازی به این کار نداشت! او می‌توانست مانند یک پادشاه قدرتمند بیاید و دشمنانش را بکشد. ولی یک لحظه صبر کن! دشمنان او چه کسانی بودند؟ گناهکاران! آیا من و شما جزء گناهکاران نبودیم؟ پس او خود را به خاطر محبت عظیمش به دشمنانش، به من و شما عذاب داد. او این کار را انجام داد تا در زمان سختی کمکتان کند تا بتوانید در او آرامش بیابید. او این کار را برای شفای ما انجام داد! ما به زخم‌های او از نظر روحانی شفا یافتیم و روزی هم در آسمان و زمین جدید به صورت فیزیکی شفا خواهیم یافت. حمد و جلال بر نام خداوند!

ژولک ویسای مسیح مبارک!

Merry Christmas